

تجارت تسلیحاتی روسیه با غرب آسیا؛ اهداف و پیامدها

حمیدرضا عزیزی^۱

DOR: 20.1001.1.17358671.1398.18.66.2.8

چکیده

مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که اهداف روسیه از تلاش برای توسعه تجارت تسلیحاتی با منطقه غرب آسیا چیست و این سیاست چه پیامدهایی برای منطقه به همراه خواهد داشت؟ این مقاله استدلال می‌کند که اهداف روسیه در این موضوع را می‌توان به دودسته اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی تقسیم کرد: اهداف اقتصادی به‌طور مشخص شامل کسب منفعت مالی، به‌ویژه با توجه به آسیب‌های اقتصادی روسیه در نتیجه تحریم‌های غرب و تلاش برای جبران این آسیب‌هاست. اهداف ژئوپلیتیک را می‌توان به چهار دسته تلاش برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی نظامی آمریکا در منطقه، حمایت از دولت‌های متحد و همسو در غرب آسیا، تلاش برای کشاندن دولت‌های آسیب‌دیده ورشکسته منطقه به مدار خود و همچنین تلاش برای نفوذ در متحدان سنتی آمریکا با هدف تضعیف نفوذ رقیب تقسیم کرد. پیامدهای این سیاست برای غرب آسیا در درجه نخست، دامن زده شدن به رقابت تسلیحاتی در منطقه، به همراه بالا رفتن احتمال بروز جنگ‌های نیابتی است. باوجوداین، این روند می‌تواند به‌طور بالقوه در بلندمدت به عاملی برای ثبات بخشیدن به نظام موازنه قوا در منطقه، میان متحدان آمریکا و دولت‌های ضدآمریکایی تبدیل شود.

واژگان کلیدی: روسیه؛ غرب آسیا؛ تجارت تسلیحاتی؛ موازنه قدرت؛ خلیج فارس.

جستار گشایی

از زمان جنگ سرد و حاکمیت نظام دوقطبی در عرصه روابط بین‌الملل، اتحاد شوروی تولید تسلیحات پیشرفته را به‌عنوان یکی از جنبه‌های اصلی راهبرد خود برای موازنه‌سازی در مقابل ایالات متحده آمریکا و در چارچوب مسابقه تسلیحاتی با این کشور در دستور کار قرار داده بود. در این دوران، بخش عمده تمرکز مسکو در زمینه تولید تسلیحات، بر سلاح‌های سنگین و فناوری‌های پیشرفته تسلیحاتی متمرکز بود تا از این طریق بتواند جایگاه خود را به‌عنوان یکی از دو ابرقدرت نظام بین‌الملل حفظ کند و انتقال تسلیحات به خارج نیز بیش از هر چیز با همین هدف، یعنی حمایت از دولت‌ها و رژیم‌های همسو (در چارچوب بلوک شرق و در مقابل بلوک غرب) انجام می‌گرفت (Karsh, 1986: 48-54). با این حال، این به معنای کنار گذاشته شدن رویکرد «تجارت تسلیحات» به معنای دقیق کلمه نبود و در این عرصه، با موردتوجه قرار دادن دو جنبه به‌هم‌پیوسته اقتصادی و استراتژیک، تجارت تسلیحاتی به‌ویژه با کشورهای «جهان سوم» در دستور کار مسکو قرار داشت. صادرات تسلیحات شوروی به عراق در دهه ۱۹۸۰، یکی از آخرین و مهم‌ترین نمونه‌های عملی این سیاست بود (Schmidt, 1991).

فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، به معنای آغاز مجموعه‌ای پیچیده از مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای مسکو - در قالب جدید فدراسیون روسیه - بود. با این حال و با وجود تأثیرات دامنه‌دار در عرصه‌های مختلف، واقعه مذکور نتوانست بر جایگاه روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ نظامی تأثیر جدی بر جای بگذارد. هم‌زمان، بحران اقتصادی گسترده در فدراسیون روسیه و ضعف قدرت رقابت‌پذیری این کشور در سایر عرصه‌های تجاری، سبب شد تجارت تسلیحاتی به‌عنوان راهی مناسب برای کسب درآمد و منافع اقتصادی موردتوجه روس‌ها قرار گیرد (Wezeman, 2017). به‌مرور و در پی احیای ثبات سیاسی و اقتصادی در روسیه که با بازتعریف منافع ملی و جایگاه بین‌المللی این کشور همراه بود، جنبه‌ها و اهداف ژئوپلیتیک نیز بر راهبرد تجارت تسلیحاتی روسیه تأثیرگذار شد. در دوره جدید نیز همچون دوران شوروی، منطقه غرب آسیا به‌عنوان یکی از بازارهای اصلی تجارت تسلیحات موردتوجه روسیه قرار گرفت. به‌مرور و طی سال‌های اخیر، اهمیت این منطقه در چارچوب سیاست تجارت تسلیحاتی روسیه بیش‌ازپیش افزایش یافته است.

مطابق آخرین آمارهای موجود، روسیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ به‌عنوان دومین صادرکننده بزرگ تسلیحات در جهان - پس از آمریکا - ۲۳ درصد از سهم بازار جهانی تسلیحات را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که در بازه زمانی مذکور، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس با مجموع ۲۹ درصد از واردات تسلیحات جهانی، به یکی از بازارهای اصلی در این زمینه تبدیل شده است (SIPRI, 2017). در این میان، هرچند تاکنون آمریکا و سپس کشورهای اروپایی، اصلی‌ترین شرکای

تسلیماتی کشورهای منطقه بوده‌اند، اما برای روسیه نیز خاورمیانه به‌عنوان یکی از اهداف اصلی فروش تسلیحات مطرح بوده است. به‌طورکلی، از نیمه دهه نخست هزاره جدید، منطقه غرب آسیا هرساله به‌عنوان یکی از نخستین مقاصد تجارت تسلیحات روسیه مطرح بوده است. بحران سوریه و عملیات نظامی روسیه در این کشور، سبب شد از سال ۲۰۱۵ جنبه جدیدی نیز به سیاست تسلیحاتی روسیه در منطقه اضافه شود. از سوی دیگر، روسیه سعی کرده با متحدان سنتی آمریکا در منطقه، به‌ویژه عربستان و بحرین نیز وارد تجارت تسلیحاتی شود.

با عنایت به موارد فوق‌الذکر، سؤال اصلی مقاله به این شکل مطرح می‌شود: اهداف روسیه از تلاش برای توسعه تجارت تسلیحاتی با منطقه غرب آسیا چیست و این سیاست چه پیامدهایی برای منطقه به همراه خواهد داشت؟ فرضیه مقاله آن است که اهداف روسیه در این موضوع را می‌توان به دودسته اهداف اقتصادی و استراتژیک تقسیم کرد که هریک دارای جنبه‌های مختلفی هستند. هرچند پیامدهای این سیاست برای غرب آسیا در کوتاه‌مدت، دامن زده شدن به رقابت تسلیحاتی در منطقه، به همراه بالا رفتن احتمال بروز جنگ‌های نیابتی است، اما این روند می‌تواند به‌طور بالقوه در بلندمدت به عاملی برای ثبات بخشیدن به نظام موازنه قوا در منطقه، میان متحدان آمریکا و دولت‌های ضدآمریکایی تبدیل شود. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

مفاهیم و مبانی نظری

نظریه موازنه قدرت در روابط بین‌الملل مبتنی بر این فرض است که امنیت ملی کشورها زمانی ارتقا می‌یابد که توزیع توانایی‌های نظامی به‌گونه‌ای صورت گرفته باشد که هیچ دولتی توان تسلط یافتن بر دیگران را دارا نباشد (Kegley & Wittkopf, 2005: 503). نظریه موازنه قدرت، محور اصلی رویکردهای واقع‌گرایانه، چه در شکل واقع‌گرایی کلاسیک و چه در قالب نواقع‌گرایی به شمار می‌رود. در این میان، به‌ویژه نواقع‌گرایان که «آنارشی» را به‌عنوان اصل اساسی نظام بین‌الملل قلمداد می‌کنند، بر این باورند که دولت‌ها می‌بایست در یک جهان مبتنی بر «خودیاری»، بقای خود را از طریق افزایش قدرت تضمین نمایند. از دید کنت والتز که از وی به‌عنوان بنیان‌گذار نواقع‌گرایی یاد می‌شود، ایجاد موازنه به‌طورکلی از دو طریق «موازنه‌سازی داخلی» و «موازنه‌سازی خارجی» امکان‌پذیر است. در حالت نخست، دولت تلاش می‌کند از طریق اقداماتی از قبیل افزایش توان اقتصادی، تدوین راهبردهای هوشمندانه و نیز ارتقای قدرت نظامی، به وضعیت موازنه در مقابل رقبا دست یابد. حالت دوم نیز ناظر به وضعیتی است که دولت‌ها از طریق اقداماتی در خارج، ازجمله شکل دادن به اتحادها و ائتلاف‌ها، به سمت ایجاد موازنه حرکت می‌کنند (Waltz, 1979: 118-121).

باوجود توافق نسبی درباره ماهیت موازنه قوا در میان نخله‌های مختلف رویکرد رئالیستی، دو طیف اصلی

این رویکرد، یعنی «رئالیست‌های تدافعی» و «رئالیست‌های تهاجمی» در این زمینه دارای اختلاف نظرهایی هستند. رئالیست‌های تدافعی تأکید می‌کنند که اگر دولتی بیش از حد قدرتمند شود، موازنه اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا دیگر قدرت‌ها اقدام به توسعه توان نظامی خود و ایجاد یک ائتلاف موازنه‌بخش خواهند نمود. در این میان، به واسطه اینکه چنین وضعیتی، سبب خواهد شد دولت دارای نیت تهاجمی، خود با وضعیتی از ناامنی مواجه شود، در پیش گرفتن رویکرد حفظ وضع موجود، بیش از رویکرد بیشینه‌سازی قدرت به نفع دولت‌ها خواهد بود (Mearsheimer 2010, 81-83). رئالیست‌های تهاجمی این فرض را می‌پذیرند که دولت‌های مورد تهدید واقع شده، اغلب به ایجاد موازنه در مقابل رقبای خود روی می‌آورند، اما چنین استدلال می‌کنند که این موازنه‌سازی در بیشتر اوقات ناکافی است و همین عدم کفایت، فرصتی را برای دولت متخاصم ایجاد می‌کند تا بتواند بر رقبای خود پیشی بگیرد. از سوی دیگر، از آنجاکه به عقیده رئالیست‌های تهاجمی، دولت‌ها همواره درصدد بیشینه‌سازی قدرت خود هستند، «موازنه‌سازی داخلی» را به‌عنوان امری در نظر می‌گیرند که دولت‌ها به‌طور مستمر و بی‌وقفه در حال انجام آن می‌باشند (Mearsheimer 2001, 157).

«رقابت تسلیحاتی» یکی از مفاهیمی است که همواره پیوند تنگاتنگی با نظریه موازنه قدرت داشته است. در این میان، اگرچه پیشینه موازنه قدرت را اغلب به چندین سده قبل و به‌ویژه نظام موازنه قوای اروپایی در سده نوزدهم بازمی‌گردانند، تحول در موازنه قوای جهانی پس از جنگ جهانی دوم سبب شد این مفهوم برای نخستین بار به‌طور جدی و به‌عنوان یکی از عناصر اصلی موازنه قدرت موردتوجه قرار بگیرد. در دوره جنگ سرد، هراس از وقوع یک جنگ هسته‌ای و نابودی متقابل، عنصری از احتیاط و خویش‌داری را وارد سیاست خارجی دو ابرقدرت آن زمان، یعنی آمریکا و اتحاد شوروی کرد. بر این اساس، دو ابرقدرت ضمن تلاش برای دور کردن احتمال یک تقابل نظامی مستقیم میان خود و یا متحدانشان در خاک اروپا، دو راهبرد متفاوت، اما به‌هم‌پیوسته را در پیش گرفتند؛ نخست، وارد شدن به یک رقابت تسلیحاتی و تولید انبوهی از تسلیحات پیشرفته که هیچ‌گاه نیز مورد استفاده قرار نگرفت و دوم، نفوذگذاری سیاسی و یا مداخله محدود نظامی در امور کشورهای جهان سوم (Encyclopaedia Britannica, 2018). در این چارچوب، به‌جز رقابت تسلیحاتی دو ابرقدرت، کمک‌های تسلیحاتی آنان به متحدانشان در جهان سوم نیز به‌طور جدی و به‌عنوان عنصری از موازنه قدرت جهانی موردتوجه قرار گرفت.

فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، تحولی دیگر را در بحث رقابت تسلیحاتی و نیز مفهوم گسترده‌تر موازنه قدرت موجب گردید. بر این اساس و به‌ویژه طی بیش از یک دهه اخیر، با ورود بازیگران جدید به عرصه رقابت جهانی تسلیحات، فضای این رقابت و به‌تبع آن، موازنه قدرت جهانی، چندقطبی‌تر شده است. ورود چین به این عرصه، در کنار ایفای نقش مستقل‌تر کشورهای اروپایی،

مهم‌ترین تحولات قابل‌ذکر در این چارچوب می‌باشند. این در حالی است که نه‌تنها آمریکا با هدف حفظ جایگاه ابرقدرتی جهانی خود، موضوع تولید و همچنین صادرات تسلیحات پیشرفته را - که خود به‌طور هم‌زمان دربردارنده منفعت عظیم اقتصادی و نیز استمرار نفوذ سیاسی در دولت‌های متحد یا وابسته واشنگتن است را به همراه دارد - در محور توجه خود حفظ کرده، بلکه روسیه نیز توانسته جایگاه خود را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان جهانی تسلیحات حفظ نماید. از سوی دیگر، پایان جنگ سرد مجموعه‌ای از موازنه‌های قدرت منطقه‌ای را نیز در مناطق مختلف جهان و میان بازیگران مختلف دخیل در این مناطق شکل داده که خود، با برجسته شدن بیش‌ازپیش عنصر رقابت تسلیحاتی در میان رقبای منطقه‌ای همراه بوده است. رقابت تسلیحاتی شکل گرفته در منطقه خلیج فارس به شکل تلاش دولت‌های عربی این منطقه برای موازنه‌سازی در مقابل ایران از طریق انباشت بیش‌ازپیش تسلیحات پیشرفته وارداتی، در این زمینه به‌عنوان نمونه‌ای برجسته قابل‌ذکر است (Intriligator, Brito, 2000: 45-54). همین امر باعث می‌شود که موضوع سیاست تسلیحاتی روسیه در منطقه غرب آسیا، از دو جنبه پتانسیل تأثیرگذاری بر موازنه قدرت جهانی (میان روسیه و آمریکا) و منطقه‌ای (میان بازیگران رقیب در منطقه) حائز اهمیت باشد.

داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

جایگاه تجارت تسلیحاتی در سیاست خارجی روسیه

از منظر تاریخی، جایگاه یافتن موضوع صادرات اسلحه به‌عنوان یکی از محورهای سیاست خارجی روسیه، از زمان حاکمیت اتحاد شوروی آغاز شد. در دوران اتحاد شوروی، صادرات اسلحه این کشور اساساً تابع ملاحظات ایدئولوژیک و سیاسی بود. نخستین جلوه عینی از کاربرد سیاست صدور اسلحه در سیاست خارجی شوروی، حمایت از جناح‌های چپ‌گرای صهیونیستی بود که به‌فرمان استالین، تسلیحات شوروی از طریق چکسلواکی به آن‌ها انتقال می‌یافت. از سوی دیگر، تشویق یک دولت دوست از طریق صادرات تسلیحات پیشرفته و تلاش جهت حفظ موازنه نظامی در مناطق مختلف و مهار رقبا از این طریق، بخشی اساسی از سیاست خارجی شوروی را تشکیل می‌داد. مسکو برای حفظ موازنه قدرت میان کره شمالی از یک سو کره جنوبی و ژاپن از سوی دیگر، صادرات اسلحه به پیونگ‌یانگ را در دستور کار قرار داده بود. توقف صادرات اسلحه به چین در پی بروز اختلاف میان مسکو و پکن و نیز مسلح کردن ویتنام برای موازنه‌سازی در مقابل چین، ازجمله دیگر نمودهای این سیاست بود. صادرات اسلحه به عراق پیش و پس از حمله این کشور به ایران نیز ازجمله دیگر جلوه‌های کاریست رویکرد صادرات اسلحه در سیاست خارجی شوروی به شمار می‌رفت (پرتو، ۱۳۹۳: ۲۱).

پس از فروپاشی شوروی، مسائل مختلفی که دولت فدراسیون روسیه خود را با آن‌ها دست‌به‌گریبان

می‌دید، سبب تحول در رویکرد تجارت تسلیحاتی این کشور و تغییر منطق این رویکرد شد. با این حال، همین تحول نیز به گونه‌ای سبب آغاز دوره‌ای جدید در تمرکز مسکو بر تجارت اسلحه داشت. مهم‌ترین عامل این تحول، بحران اقتصادی شدیدی بود که فدراسیون روسیه در سال‌های نخست پس از فروپاشی شوروی با آن دست‌به‌گریبان شد. این بحران اقتصادی که در قالب تورم فزاینده، گسترش فقر، تعطیلی یا توقف فعالیت کارخانه‌های صنعتی و دیگر معضلات مرتبط بروز کرد، از دو جنبه بر رویکرد تجارت تسلیحاتی روسیه تأثیر گذاشت. از یک سو، بحران اقتصادی به‌طور مستقیم صنایع نظامی روسیه را نیز به‌عنوان اصلی‌ترین بخش صنعت این کشور درگیر کرده و بر تولیدات جدید در این صنعت تأثیر گذاشت، اما از سوی دیگر و به‌طور هم‌زمان، سبب شد مسکو که خود را هنوز در این بخش دارای مزیت نسبی می‌دید، ملاحظات ایدئولوژیک دوران شوروی را کنار گذاشته و فروش تسلیحات به کشورهای مختلف را با هدف کسب منفعت اقتصادی هرچه بیشتر در دستور کار قرار دهد (Uhler, 1999: 193-194). برای فهم بهتر ابعاد بحران اقتصادی روسیه و تأثیر آن بر صنایع نظامی این کشور، باید اشاره کرد که در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴، بیش از ۴۶ درصد از کل نیروی کار شاغل در صنایع نظامی روسیه، کار در این بخش را رها کردند. با این حال، برخلاف رویکرد کلی دولت روسیه در آن زمان مبنی بر خصوصی‌سازی صنایع و بخش‌های تولیدی و تجاری، ساختار صنایع دفاعی این کشور تا حد زیادی دست‌نخورده باقی ماند و نخبگان نظامی - صنعتی دوران شوروی، به فعالیت در این بخش ادامه دادند (Zisk, 1998: 66). در همین راستا، دولت نیز به‌مرور کنترل خود را بر عرصه تولید و صادرات تسلیحات باز یافت. بر این اساس، از دهه ۱۹۹۰ مهم‌ترین ملاحظه مسکو در صادرات تسلیحات، ملاحظات اقتصادی و کسب سود بود؛ به گونه‌ای که روس‌ها حتی اقدام به انتقال تسلیحات پیچیده‌ای به دیگر کشورها کردند که خودشان هنوز ظرفیت استفاده از آن را در داخل نداشتند. این امر به نوبه خود سبب شد صنایع نظامی روسیه هرچه بیشتر به صنایعی صادرات‌محور تبدیل شوند. در نوامبر ۱۹۹۳، دولت روسیه اقدام به تشکیل نهادی مشخص برای نیازسنجی، سرمایه‌گذاری و تولید تسلیحات با قابلیت رقابت در بازار جهانی کرد (Uhler, 1999: 200). این رویکرد منفعت‌محور اقتصادی کم‌وبیش تا پایان دهه ۱۹۹۰، یعنی پایان دوران ریاست جمهوری یلتسین، بر حوزه صادرات اسلحه روسیه غلبه داشت. با روی کار آمدن پوتین در آغاز هزاره جدید میلادی و به تبع تغییرات قابل توجه صورت گرفته در عرصه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی روسیه، رویکرد تجارت تسلیحاتی این کشور نیز از شرایط جدید متأثر شده و ملاحظات جدیدی در این عرصه مطرح شد. از این زمان و در چارچوب حاکم شدن گفتمان «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند» در سیاست خارجی روسیه (نوری، ۱۳۸۹)، ملاحظات مربوط به قدرت و جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل و نیز منافع استراتژیک این کشور نیز در کنار اصل عمل‌گرایی در دستور کار قرار گرفت. به‌طورکلی، اصول سیاست خارجی روسیه در دوره نخست ولادیمیر پوتین را

می‌توان در قالب سیطره نگرش واقع‌گرایی و همچنین عمل‌گرایی مورد اشاره قرار داد. ویژگی نخست از تأکیدهای فراوان وی و همفکرانش بر منافع مشخص ملی، دولت‌محوری و اولویت قدرت سخت‌افزاری آشکار بود (قوام، ۱۳۸۷: ۲۰). عمل‌گرایی پوتین نیز در رویکرد جدید به رابطه بین اقتصاد و قدرت، فرصت‌طلبی راهبردی، ایدئولوژی‌زدایی از سیاست خارجی و ارجحیت منافع بر ارزش‌ها و مشارکت فعال در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی آشکار شد (Sakwa, 2004: 18). در بحث از تأثیر این اصول بر رویکرد تجارت تسلیحاتی روسیه، می‌توان گفت که هرچند دو موضوع ایدئولوژی‌زدایی و ارجحیت منافع بر ارزش‌ها، در دوره یلتسین نیز اساس جهت‌گیری تجارت تسلیحاتی این کشور را تشکیل می‌داد، رویکرد جدید به رابطه اقتصاد و قدرت و اولویت یافتن منافع ملی، سبب شد ملاحظات سیاسی و ژئوپلیتیک نیز در تعیین انتقال یا عدم انتقال و همچنین مقاصد انتقال تسلیحات روسی نقش‌آفرین شود.

تلاش برای موازنه‌سازی در مقابل آمریکا از طریق فروش تسلیحات به دولت‌های دارای روابط پرتنش با واشنگتن، یک جنبه از رویکرد جدید روسیه به فروش تسلیحات بود. در این چارچوب، پوتین اقدام به لغو توافق با آمریکا درباره توقف فروش تسلیحات به ایران و سوریه کرده و قراردادهای نظامی جدیدی را با این دو کشور امضا نمود. فروش گسترده سلاح به دولت ونزوئلا، باوجود مخالفت‌های آشکار آمریکا، نمود دیگری از این رویکرد بود. به‌طور هم‌زمان، روسیه برقراری کانال تجارت تسلیحاتی با متحدان منطقه‌ای آمریکا، به‌ویژه در خاورمیانه را نیز در دستور کار قرار داد. بر این اساس، تمایل کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس به خرید تسلیحات از روسیه که نخست در اواخر دهه ۱۹۸۰ و از زمان زمامداری گورباچف در مسکو آغاز شده بود، در دوره ریاست‌جمهوری پوتین شدت بیشتری گرفت. بی‌تردید یکی از اهداف مسکو در این زمینه، نشان دادن توانایی خود برای ایجاد گسست در حلقه متحدان منطقه‌ای آمریکا بود. سومین نمود جدی رویکرد جدید تجارت تسلیحاتی روسیه، خودداری از انتقال فناوری‌های پیشرفته نظامی به کشورهایی بود که ممکن بود خود در آینده به چالشی برای روسیه تبدیل شوند. در همین راستا، مسکو در مقابل درخواست‌های چین برای دریافت شماری از تجهیزات نظامی پیشرفته روسی موضعی محتاطانه نشان داد و هم‌زمان، تلاش کرد از طریق برقراری روابط نظامی با رقبای چین، همچون هند، به حفظ موازنه قوای نظامی در آسیا کمک کند (پرتو، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۵).

در دوره چهارساله ریاست‌جمهوری دمیتری مدودیف (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) هرچند گفتمان قدرت بزرگ همچنان به حیات خود در چارچوب سیاست خارجی روسیه و به‌تبع آن، رویکرد تجارت تسلیحاتی این کشور ادامه داد، اما ضرورت‌های برآمده از مدرنیزه‌سازی و نوسازی روسیه در کنار نگاه مساعدتر مدودیف به غرب به نسبت پوتین، سبب شد بخش نظامی روسیه به‌طورکلی و ازجمله، حوزه صادرات اسلحه این کشور تحت تأثیر قرار بگیرد. از یک منظر، می‌توان گفت از آنجاکه نوسازی بیش از هر چیز با فناوری و نوآوری

در ارتباط است، روسیه در پی برقراری روابط نزدیک‌تر با دولت‌هایی بود که بتوانند این موارد را برایش تأمین کنند. واضح است که دولت‌های غربی و در رأس آن‌ها آمریکا، از این جنبه در مرکز توجه روسیه قرار داشتند (Trenin, 2010). با روی کار آمدن باراک اوباما در آمریکا و اعلام قصد این کشور مبنی بر «شروع مجدد»^۱ روابط با روسیه، روندی از روابط کم‌وبیش دوستانه میان دو کشور آغاز شد. مهم‌ترین تأثیر این روند جدید بر حوزه نظامی روسیه، موافقت مسکو با امضای قرارداد جدید کاهش تسلیحات استراتژیک (موسوم به استارت)^۲ بود. از سوی دیگر، روسیه به‌منظور در نظر گرفتن ملاحظات آمریکا، فروش تسلیحات خود به برخی کشورها، ازجمله ایران را مورد بازنگری قرار داد (Petro, 2011: 14-15). شاید بتوان خودداری روسیه از تحویل سامانه موشکی «اس ۳۰۰» به ایران را مهم‌ترین نمود رویکرد تجارت تسلیحاتی روسیه در دوران مدودیف دانست. موضوع خرید این سامانه موشکی از سوی ایران، نخستین بار در سال ۲۰۰۷ مطرح شد و یک سال بعد اعلام شد که قراردادی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار در این زمینه میان طرفین به امضا رسیده است. با این حال، مواضع اعلام‌شده از سوی طرف روسی در این زمینه، مبهم و غیرشفاف بود. در سال ۲۰۱۰، مدودیف در راستای اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت دستورالعملی را صادر کرد که به‌موجب آن فروش هرگونه موشک و جنگ‌افزارهای دیگر همچون تانک‌های جنگی، خودروهای زرهی، ادوات توپخانه‌ای کالیبر بالا، کشتی‌ها و هواپیما و بالگردهای نظامی به ایران ممنوع شد. البته پیش‌تر نیکلای ماکاروف، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح وقت روسیه اعلام کرده بود که روسیه به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، تصمیم گرفته است که موشک‌های اس ۳۰۰ را به ایران تحویل ندهد و این موشک‌ها بی‌تردید شامل تحریم است (Roth, 2016).

با وجود این، غلبه این رویکرد محتاطانه بر سیاست خارجی و رویکرد تجارت تسلیحاتی روسیه چندان به طول نینجامید و با پایان دوره ریاست‌جمهوری مدودیف، تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط داخلی و خارجی، رویکردهای جدیدی در این کشور شکل گرفت. روی کار آمدن دوباره ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۱۲ که با تأکید مجدد و تمام‌عیار بر راهبرد «قدرت بزرگ» در سیاست خارجی روسیه همراه بود، با بدبینی نسبت به نیات و اهداف غرب از همکاری با روسیه ترکیب شد. موافقت اولیه روسیه با عملیات نظامی ناتو در لیبی که به‌سرعت مشخص شد با اهداف اساسی مسکو در تضاد است (Stewart, 2011)، ازجمله عواملی بود که در آستانه روی کار آمدن پوتین زمینه بدبینی روسیه به غرب را تشدید کرده بود. اما شاید مهم‌ترین تحول در این زمینه، وقوع بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ بود که در جریان آن، اقدام روسیه در الحاق شبه‌جزیره کریمه، واکنش آمریکا و اتحادیه اروپا را سبب شده و آغازگر دوره‌ای جدید از تنش‌های بی‌سابقه در روابط روسیه با غرب شد (ولی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴). قرار گرفتن روسیه و غرب در دو قطب متضاد در جریان بحران سوریه نیز بیش‌ازپیش سبب تشدید این روند شد.

1. Reset

2. Strategic Arms Reduction Treaty (START)

مجموعه این عوامل، سبب شد روسیه به‌طور فزاینده‌ای به سمت کنار گذاشتن ملاحظات غرب در سیاست خارجی و نظامی خود پیش برود. از سوی دیگر، به‌عنوان یکی از جنبه‌های سیاست موازنه‌سازی در مقابل آمریکا، مسکو آغاز به توسعه پیوندهای نظامی - و بالطبع، توسعه تجارت تسلیحاتی - با قطب‌های منطقه‌ای قدرت کرد. درعین‌حال، نباید از این موضوع غافل شد که در کنار عناصر سیاسی و استراتژیک، ملاحظات اقتصادی نیز نقش مهمی در فعال‌تر شدن رویکرد تجارت تسلیحاتی روسیه ایفا کرد؛ بدین معنا که مشکلات اقتصادی گریبان‌گیر روسیه در نتیجه تحریم‌های غرب از سال ۲۰۱۴، سبب شد این کشور بار دیگر حوزه صنایع نظامی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مزیت نسبی تجاری خود موردتوجه قرار داده و تلاش کند با انعقاد قراردادهای نظامی هرچه بیشتر با طرف‌های مختلف، منفعت اقتصادی ازدست‌رفته بر اثر تحریم‌ها را برای خود احیا نماید. همین موضوع سبب شده روسیه در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، با در اختیار داشتن ۲۳ درصد از کل حجم تجارت تسلیحاتی در جهان، پس از آمریکا جایگاه دوم را از آن خود کند (SIPRI, 2017). این در حالی است که انتظار می‌رود با ادامه روند کنونی، طی سال‌های پیش رو تجارت تسلیحاتی روسیه حتی بیش‌ازپیش نیز گسترش پیدا کند.

غرب آسیا به‌عنوان بازاری برای تسلیحات روسی

پس از روشن شدن جایگاه تجارت تسلیحات در سیاست خارجی روسیه، می‌توان به شکل دقیق‌تری جایگاه تجارت تسلیحاتی این کشور با منطقه غرب آسیا را در کلیت سیاست خارجی و همچنین سیاست منطقه‌ای این کشور از یک‌سو تأثیرات آن را بر منطقه از سوی دیگر مورد بررسی قرار داد. به‌طورکلی، منطقه غرب آسیا و به‌ویژه حوزه خلیج‌فارس، همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازارهای بین‌المللی تسلیحات مطرح بوده است. با این‌حال، طی پنج سال گذشته، روند خریدهای تسلیحاتی کشورهای این منطقه حتی بیش‌ازپیش توسعه یافته است. بر اساس آمارهای موسسه بین‌المللی صلح استکهلم، در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ سهم خاورمیانه و خلیج‌فارس در تجارت جهانی تسلیحات از ۱۷ درصد به ۲۹ درصد رسیده است. میزان واردات کشورهای خاورمیانه در این مدت مجموعاً ۸۶ درصد افزایش داشته است. طی این مدت، عربستان سعودی با ۲۱۲ درصد افزایش، به دومین واردکننده تسلیحات در جهان تبدیل شده است و واردات تسلیحاتی قطر هم ۲۴۵ درصد افزایش داشته است (SIPRI, 2017).

طبیعی است که روسیه نیز به‌عنوان دومین صادرکننده تسلیحات در جهان، حضور و فعالیت در این بازار گسترده را مدنظر داشته است. در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، غرب آسیا به بزرگ‌ترین بازار فروش تسلیحات روسیه تبدیل شد. بر اساس آمارهای موجود، در دوره مذکور، شرکت‌های صنایع نظامی روسیه تسلیحات پیشرفته‌ای شامل ۵۰ جت جنگنده ماورای صوت، ۲۷۰ تانک و سلاح‌های

توپخانه‌ای، ۲۰ موشک ضد بالیستیک، ۱۰ بالگرد، ۱۰ موشک سطح به سطح و بیش از ۱۵۰ خودروی زرهی به کشورهای این منطقه فروختند. در این میان، برخی گزارش‌ها حکایت از آن داشت که رقم واقعی موشک‌های سطح به سطح فروخته شده از سوی روسیه به منطقه، ۵۵۰۰ فروند بوده است. از سال ۲۰۱۲ به بعد، منطقه شرق و جنوب شرق آسیا به تدریج جای منطقه غرب آسیا را در زمینه خرید تسلیحات روسی گرفت؛ اما این به معنای کاهش اهمیت این منطقه در رویکرد تسلیحاتی روسیه نبود؛ به گونه‌ای که مسکو علاوه بر شرکای سنتی خود، تلاش کرده با متحدان سنتی آمریکا همچون عربستان سعودی و بحرین نیز قراردادهای تسلیحاتی به امضا برساند (Suchkov, 2015).

در نگاهی دقیق‌تر، باید گفت که در دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، چهار منطقه شرق و جنوب آسیا، آفریقا، خاورمیانه و اروپا به ترتیب ۶۸ درصد، ۱۲ درصد، ۸٫۱ درصد و ۵٫۹ درصد از صادرات تسلیحات روسیه را جذب کرده‌اند. با این حال، این به معنای کاهش کلی اهمیت منطقه غرب آسیا نیست، زیرا اگر آمارها را به تفکیک کشور مورد بررسی قرار دهیم، صادرات آسیایی تسلیحات روسیه به سه کشور هند (۳۸ درصد)، ویتنام (۱۱ درصد) و چین (۱۱ درصد) محدود بوده است و بلافاصله پس از این سه کشور، الجزایر (۱۰ درصد) قرار دارد که در پیوند مستقیم با منطقه غرب آسیا قابل تعریف است (TACC, 2017). از سوی دیگر، باید توجه داشت که در پی آغاز بحران سوریه و سپس عملیات نظامی مستقیم روسیه در این کشور، دمشق نیز به یکی از مقاصد اصلی تسلیحات روسی تبدیل شده؛ هرچند با توجه به دشواری تفکیک میزان «فروش» تسلیحات روسی به این کشور از آنچه روسیه خود در سوریه مورد استفاده قرار داده و می‌دهد، برآورد دقیقی از تجارت تسلیحاتی مسکو با دمشق وجود ندارد. با این حال، آنچه مشخص است اینکه حتی پیش از آغاز جنگ داخلی در سوریه، یعنی در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، میزان خریدهای تسلیحاتی سوریه از روسیه ۶۰۰ درصد افزایش داشت (Suchkov, 2015). از سوی دیگر، این گمانه نیز از سوی برخی مطرح شده که روسیه با نمایش توانایی نظامی خود در سوریه، در واقع برای صنایع تسلیحاتی خود مشتری پیدا می‌کند.

به‌طور کلی، روند پیوندهای تسلیحاتی روسیه با غرب آسیا، سبب شکل‌گیری این تحلیل شده که مسکو در پی بازپایی جایگاهی است که در زمان حیات اتحاد شوروی در این منطقه داشت. یکی از نمودهای این امر، تلاش روسیه برای توسعه تجارت تسلیحاتی با مصر – به‌عنوان یکی از شرکای سنتی اتحاد شوروی در منطقه – بوده است. در همین راستا، در مارس ۲۰۱۷ اعلام شد که روسیه قصد دارد ۵۰ فروند میگ ۲۹ و ۴۶ فروند بالگرد کا-۵۰ به مصر بفروشد که به این ترتیب به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحاتی مصر تبدیل خواهد شد. الجزایر نیز همان‌گونه که اشاره شد، یکی از بازارهای اصلی تسلیحات روسی بوده، به گونه‌ای که روسیه اکنون ۸۰ درصد بازار تسلیحات این کشور را در اختیار

دارد (Salacanian, 2017). به این ترتیب، منطقه شمال آفریقا طی سال‌های اخیر به عنوان یکی از بازارهای اصلی تسلیحات روسیه بوده که به نوبه خود، می‌تواند نفوذ هرچه بیشتر این کشور در منطقه مذکور به تبع آن، کلیت منطقه غرب آسیا را به همراه داشته باشد.

با وجود این، باید توجه داشت که روسیه هنوز در جذب متحدان سنتی آمریکا در منطقه غرب آسیا به سمت خود در موضوع تجارت تسلیحات توفیق چندانی قابل توجهی نداشته است. در سال ۲۰۱۰، امارات متحده عربی برخی اقلام تسلیحاتی مهم، از جمله سامانه‌های دفاع هوایی از روسیه خریداری کرد؛ اما از آن زمان تاکنون، قرارداد نظامی مهم دیگری میان دو طرف وجود نداشته است. بحرین نیز در سال ۲۰۱۴ اقدام به سفارش ۲۵۰ فروند موشک ضدتانک 9M133 Kornet به روسیه کرد (Salacanian, 2017). افزون بر این، در اوایل سال ۲۰۱۵ و پس از دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان سعودی، اعلام شد که سعودی‌ها نیز به خرید تسلیحات از روسیه علاقه‌مند هستند. سامانه تاکتیکی موشک بالستیک «اسکندر-ای» از جمله اقلامی بود که به عنوان خرید احتمالی عربستان از روسیه مطرح شد (Suchkov, 2015).

در عین حال، به نظر می‌رسد روسیه به‌ویژه از نیمه سال ۲۰۱۷ به بعد، اندک‌اندک در این حوزه نیز در حال گسترده‌تر کردن حضور و نفوذ خویش است. در جریان سفر ملک سلمان به مسکو در اکتبر ۲۰۱۷، دو کشور تفاهم‌نامه مفصلی را به ارزش سه میلیارد دلار در زمینه تجارت تسلیحات به امضا رساندند که شامل سامانه‌های دفاع ضد هوایی، سامانه‌های ضدتانک، نارنجک‌انداز و انواع دیگری از تسلیحات سنگین بود. در این میان، مهم‌ترین و جنجالی‌ترین بخش تفاهم‌نامه، مربوط به موافقت روسیه با فروش سامانه‌های موشکی پیشرفته «اس-۴۰۰» به عربستان سعودی بود (РНА Новости, 2017). هرچند با توجه به وابستگی زیرساخت‌های نظامی عربستان سعودی به آمریکا و کشورهای غربی، حتی در خود روسیه نیز درباره اجرایی شدن آن تردیدهایی وجود دارد، اما هم‌زمان از این تفاهم‌نامه به عنوان نمادی از تمایل روسیه به فعال‌تر شدن هرچه بیشتر در حوزه سنتی تجارت تسلیحاتی غرب یاد می‌شود. توافق روسیه و ترکیه در سپتامبر ۲۰۱۷ برای تحویل سامانه‌های موشکی «اس-۴۰۰» به آنکارا، نمونه دیگری از عزم روسیه برای توسعه نفوذ خود در حوزه سنتی تجارت تسلیحاتی غرب بود. در این میان، جایگاه ترکیه به عنوان یکی از اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) سبب شد حساسیت نسبت به اهداف و سیاست‌های روسیه بیش از پیش تحریک شود. البته گزارش‌های اولیه درباره تمایل ترکیه به خرید این سامانه موشکی از روسیه، در پاییز ۲۰۱۶ منتشر و اعلام شد که آنکارا خواستار خرید چهار سامانه موشکی «اس-۴۰۰» از روسیه به ارزش ۲٫۵ میلیارد دلار است (Gall & Higgins, 2017). هرچند در این مورد نیز برخی اختلاف‌نظرها، به‌ویژه در زمینه تمایل ترکیه به دریافت هم‌زمان سامانه‌های موشکی و دانش فنی مربوط به آن و عدم تمایل روسیه به انتقال دانش فنی، سبب بروز تردیدهایی در اجرایی

شدن توافق شد، اما سیاست کلی ترکیه مبنی بر تنوع بخشیدن به مجموعه شراکت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود از زمان کودتای نافرجام سال ۲۰۱۵ به بعد، سبب شده احتمال اجرایی شدن نهای این توافق بیش از ناکام ماندن آن باشد.

در نهایت، نباید از نظر دور داشت که ایران نیز به عنوان یکی از خریداران سنتی تسلیحات روسی، اخیراً شاهد روندی از توسعه تجارت تسلیحاتی با روسیه بوده است. پیشرفت مذاکرات هسته‌ای و در نهایت امضای توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ نقطه عطفی مهم در این زمینه بود که سبب شد ملاحظات روسیه در همکاری نظامی و تسلیحاتی با ایران کاهش پیدا کند. شاید موافقت روسیه با تحویل سامانه موشکی «اس-۳۰۰» به ایران را که در آوریل ۲۰۱۵ به طور رسمی توسط رئیس‌جمهور روسیه مورد تأیید قرار گرفت، بتوان سرآغاز فصل جدید روابط نظامی دو کشور معرفی کرد. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که پس از سال ۲۰۲۰ و برداشته شدن بخش دیگری از محدودیت‌های تحریمی ایران توسط غرب، همکاری تسلیحاتی دو کشور حتی بیش از پیش گسترش خواهد یافت. این در حالی است که حتی در دوره تحریم‌ها نیز روسیه با استفاده از برخی خلأهای موجود در طرح‌های تحریمی، به فروش تسلیحات به ایران ادامه می‌داد (Salacanian, 2017).

اهداف روسیه از تجارت تسلیحاتی با غرب آسیا

بر اساس آنچه گفته شد، روسیه طی سال‌های اخیر تلاشی جدی را برای احیا و ارتقای جایگاه خود در عرصه تجارت تسلیحاتی با منطقه غرب آسیا آغاز کرده که این تلاش، هر دودسته متحدان سنتی سابق شوروی و متحدان سنتی غرب را شامل می‌شود. اما در بحث از اهداف روسیه از رویکرد تجارت تسلیحاتی خود در غرب آسیا، می‌توان دودسته اهداف اقتصادی و استراتژیک را معرفی نموده و مورد بررسی قرار داد:

۱- اهداف اقتصادی

رویکرد روسیه به بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین که با الحاق شبه جزیره کریمه توسط این کشور و نیز حمایت مستقیم و غیرمستقیم از جدایی طلبان شرق اوکراین همراه شد، با واکنش شدید غرب همراه بود که وضع تحریم‌هایی علیه روسیه را به دنبال داشت. تحریم‌های وضع شده از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا در موضوع اوکراین از یک سو تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه روسیه از سوی دیگر که به واسطه تیره شدن روزافزون روابط مسکو - واشنگتن وضع شده، تأثیرات اقتصادی قابل توجهی بر روسیه داشته است. هم‌زمان، کاهش قیمت‌های جهانی نفت از یک سو هزینه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه از سوی دیگر، فشارهای اقتصادی را بر مسکو بیش از پیش تشدید کرده است. در نتیجه تحریم‌ها، سطح سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه رو به کاهش بوده و ارزش واحد پول روسیه (روبل) نیز به شدت افت کرده است.

افزایش سطح بیکاری و بالا رفتن پتانسیل ناآرامی‌های اجتماعی نیز از دیگر اثرات تحریم‌ها بر اقتصاد و اجتماع روسیه بوده است (Ulansky, 2017). تحریم‌های وضع شده علیه روسیه همچنین پیامدهای دیگری ازجمله افت صادرات، کاهش تولید ناخالص داخلی، افزایش تورم و فرار سرمایه را به همراه داشته است (Schoen, 2017).

در این شرایط، روسیه همچون سال‌های نخست پس از فروپاشی شوروی، بار دیگر صنایع تسلیحاتی را به‌عنوان یکی از حوزه‌های اصلی مزیت نسبی تجاری خود موردتوجه قرار داده و در تلاش است تا با افزایش فروش تسلیحات، کاهش درآمد خود در نتیجه تحریم‌ها را جبران کند. اگر صادرات هیدروکربن را کنار بگذاریم، صادرات تسلیحات طی سال‌های اخیر سهم قابل توجهی در تجارت خارجی روسیه داشته است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۵، درحالی که حجم کل صادرات غیر خام روسیه (ماشین‌آلات و کالاهای ساخته شده) ۲۵ میلیارد دلار بود، صادرات اقلام نظامی به‌تنهایی ۱۴٫۵ میلیارد دلار درآمد برای این کشور به همراه داشت (Conolly & Sendstad, 2017: 22).

توجه به این جایگاه مهم تجارت تسلیحاتی در اقتصاد روسیه، یکی از عواملی است که می‌تواند توضیح‌دهنده دلایل تمایل روسیه به توسعه پیوندهای نظامی خود نه تنها با منطقه غرب آسیا، بلکه به‌طورکلی باشد. اما به‌طور مشخص در رابطه با منطقه غرب آسیا، توجه به این موضوع می‌تواند تبیین‌کننده این امر باشد که چرا روسیه بدون توجه به خط‌مشی‌های کلان سیاسی و صف‌بندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، علاقه‌مند به توسعه پیوندهای تسلیحاتی با همه کشورهای این منطقه است. به‌عبارت دیگر، منفعت اقتصادی تا حد زیادی سبب بالا رفتن تمایل روسیه به مانور میان خریداران مختلف در منطقه غرب آسیا و تلاش برای فروش هرچه بیشتر به دولت‌های گوناگون منطقه شده است. البته بی‌تردید این امر به‌تنهایی و به‌طور کامل تبیین‌کننده رویکرد تسلیحاتی روسیه در غرب آسیا نیست و بدین منظور، اهداف استراتژیک روسیه نیز می‌بایست موردتوجه قرار بگیرد.

۲- اهداف استراتژیک

همان‌گونه که در بخش نخست اشاره شد، روسیه تحت رهبری ولادیمیر پوتین بیش از هر زمان دیگری پس از فروپاشی شوروی، احیای جایگاه بین‌المللی روسیه در قالب یک «قدرت بزرگ» را موردتوجه قرار داده و بر همین اساس، در رویکرد کلی خود به حوزه تجارت تسلیحات نیز عنصر منفعت اقتصادی را در کنار عنصر قدرت ملی و جایگاه بین‌المللی قرار داده است. بی‌تردید، تجارت تسلیحاتی این کشور با منطقه غرب آسیا نیز از همین رویکرد تأثیر پذیرفته و بر همین اساس، بدون بررسی اهداف استراتژیک و سیاسی روسیه نمی‌توان به درک دقیقی از ماهیت رویکرد تسلیحاتی این کشور در خاورمیانه رسید. به‌طورکلی، اهداف استراتژیک روسیه در این عرصه شامل سه عنصر کلی تلاش برای موازنه‌سازی در مقابل آمریکا در

منطقه، حمایت از دولت‌های متحد و همسو در خاورمیانه و تلاش برای کشاندن دولت‌های آسیب‌دیده ورشکسته منطقه به مدار خود تقسیم کرد.

۱-۲- موازنه‌سازی در مقابل آمریکا در منطقه

در دوره پس از بحران اوکراین و بروز تقابل فزاینده میان مسکو واشنگتن، روسیه یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی خود را تلاش برای موازنه‌سازی در مقابل آمریکا از طریق شکل دادن به مجموعه‌ای از صف‌بندی‌های منطقه‌ای با حضور و یا محویت خود و در همین راستا، تلاش برای برقراری روابط نزدیک با قطب‌های قدرت منطقه‌ای در مناطق مختلف جهان قرار داده است. تلاش برای توسعه سازمان همکاری شانگهای از طریق واردکردن اعضای جدید و نیز ترویج همکاری نزدیک‌تر میان اعضای این سازمان، توجه ویژه به جامعه قدرت‌های در حال ظهور (بریکس)^۱ و نیز توجه ویژه به پروژه همگرایی اوراسیایی در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲، مهم‌ترین نمودهای این سیاست روسیه در جنبه نهادی بوده است. بااین‌حال، در رابطه با منطقه غرب آسیا، به نظر می‌رسد ساختار متشتت نظم منطقه‌ای در این بخش از جهان به همراه ماهیت رقابت‌آمیز آن، روسیه را بر آن داشته تا سیاست کلی موازنه‌سازی را از طریق تلاش برای برقراری روابط نزدیک «دوجانبه» با قدرت‌های اصلی در این منطقه دنبال کند. در این راستا، توسعه روابط اقتصادی و تجاری، هم‌زمان با توسعه پیوندهای نظامی و تسلیحاتی موردتوجه قرار گرفته است.

بر همین اساس، روسیه تاکنون نه‌تنها در عرصه بین‌المللی جایگاه دوم خود را پس از آمریکا در زمینه تجارت تسلیحات حفظ کرده، بلکه در تحولی جدید، توسعه پیوندهای نظامی و تسلیحاتی با متحدان سنتی آمریکا را در دستور کار قرار داده است. موضوع تفاهم‌نامه فروش تسلیحات به عربستان سعودی که به آن اشاره شد، در همین راستا قابل تبیین است. به همین دلیل نیز بود که بلافاصله پس از خبر انعقاد تفاهم‌نامه مذکور، دولت آمریکا نسبت به آن واکنش نشان داده و اعلام کرد سامانه دفاع موشکی «اس-۴۰۰» مطابقتی با سامانه‌های آمریکایی که در عربستان هستند، ندارد. سخنگوی پنتاگون در این زمینه گفت: «ما بر اهمیت حمایت از مشارکت عملیاتی با آمریکا و حفظ سامانه‌های دفاعی که برای تأمین امنیت در برابر تهدیدات مشترک در منطقه مستقر هستند، تأکید داریم». در حقیقت، به جز موضوع رقابت اقتصادی در عرصه فروش تسلیحات، آمریکایی‌ها از این مسئله هم نگران هستند که ممکن است تسلیحات نظامی روسیه در خاک عربستان سعودی تولید شوند؛ هرچند مسکو تاکنون تمایلی به این امر نشان نداده است. در بلندمدت نیز نگرانی آمریکا از احتمال تغییر ساختار ارتش عربستان با استفاده از تسلیحات و نیز آموزش‌های نظامی روسی است (دنای اقتصاد، ۱۳۹۶). درست به همین دلیل، به فاصله اندکی پس از توافق مسکو-ریاض، کاخ سفید با اجرایی شدن قرارداد ۱۵ میلیارد دلاری تحویل

1. BRICS

2. Eurasian Economic Union (EEU)

موشک‌های «تاد»^۱ به عربستان سعودی موافقت کرد (Detsch, 2017).

توافق تسلیحاتی روسیه با ترکیه نیز واکنشی مشابه را از سوی آمریکا به همراه داشت که البته با توجه به عضویت ترکیه در ناتو، حتی شدیدتر و مکررتر نیز ابراز شد. بلافاصله پس از اعلام توافق مسکو برای فروش سامانه موشکی «اس-۴۰۰» به ترکیه، رسانه‌های ترکیه اعلام کردند واشنگتن از هر ابزاری برای اعمال فشار بر آنکارا جهت جلوگیری از اجرایی شدن توافق بهره خواهد گرفت. جوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در این زمینه گفت در صورت نهای شدن توافق مذکور، این امر یک نگرانی جدی برای آمریکا خواهد بود (Sputnik News, 2017). علاوه بر دولت آمریکا، ناتو نیز به ترکیه هشدار داده که استفاده از سامانه مذکور، برای این کشور «پیامدهایی» به همراه خواهد داشت. ژنرال پیتر پاول، رئیس کمیته نظامی ناتو در این زمینه گفت: «اصل تسلط در اکتساب تجهیزات دفاعی وجود دارد، اما همان‌گونه که ملت‌ها حق تصمیم‌گیری برای خود را دارند، باید مسئولیت رویارویی با پیامدهای تصمیم خود را نیز بپذیرند». (ایسنا، ۱۳۹۶).

به این ترتیب، می‌توان گفت که یکی از اهداف مشخص روسیه طی سال‌های اخیر از توسعه پیوندهای نظامی و تسلیحاتی خود با کشورهای غرب آسیا، ورود به حوزه‌های نفوذ سنتی آمریکا و غرب بوده واشنگتن نیز خود به‌روشنی از این موضوع آگاه است. اما به‌جز این موضوع، یکی دیگر از تلاش‌های موازنه‌ساز روسیه در مقابل آمریکا در عرصه تسلیحاتی، اقدام به توسعه پیوندهای نظامی با کشورهایی است که آمریکا به هر دلیل تصمیم به کاهش سطح مناسبات نظامی با آن‌ها می‌گیرد. مورد پیوندهای نظامی روسیه با مصر، بهترین مثال در این زمینه است. در سال ۲۰۱۳ و در واکنش به کودتای مصر، آمریکا به مدت دو سال صادرات تسلیحات به این کشور را معلق کرد. درست اندکی بعد از این تاریخ بود که روس‌ها توسعه پیوندهای نظامی با قاهره را در دستور کار خود قرار دادند. در نقطه اوج این روند، در مارس ۲۰۱۷ اعلام شد که روسیه به‌زودی ۵۰ فروند میگ ۲۹ و ۴۶ فروند بالگرد کا-۵۰ به مصر خواهد داد که به این ترتیب به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحاتی مصر تبدیل می‌شود (Salacanian, 2017).

۲-۲- حمایت از دولت‌های متحد و یا همسو در منطقه

حمایت از شرکا و متحدان منطقه‌ای در غرب آسیا را می‌توان یکی دیگر از اهداف رویکرد تجارت تسلیحاتی این کشور دانست که البته این امر نیز با هدف تثبیت جایگاه مسکو در منطقه و حفظ موازنه منطقه‌ای به نفع خود صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تلاش برای نفوذ در متحدان و شرکای غرب از یک‌سو حمایت از متحدان و شرکای خود از سوی دیگر، دو عنصری هستند که در کنار یکدیگر، می‌توانند به ارتقای جایگاه روسیه در منطقه و به تبع آن، افزایش سطح قدرت و توسعه فضای مانور بین‌المللی این کشور منجر شوند. مهم‌ترین نمود این امر بی‌تردید در حمایت نظامی مسکو از دمشق در

1. THAAD

جریان جنگ داخلی سوریه بروز کرده است. در حقیقت، مثال سوریه نمود روشنی از جایگاه قابل توجه ملاحظات استراتژیک در رویکرد تسلیحاتی روسیه است؛ زیرا با توجه به درگیر بودن دمشق در جنگ داخلی، بخش عمده‌ای از تجهیزات نظامی ارسال شده به سوریه و حمایت نظامی روسیه از دولت بشار اسد، قابلیت ایجاد منفعت اقتصادی مشخصی را برای روسیه، دستکم در کوتاه مدت نداشته و ندارد. از همان ابتدای بروز جنگ داخلی در سوریه و حتی پیش از آغاز عملیات نظامی مستقیم روسیه در این کشور، ده‌ها هواپیمای «آنتونوف ۱۲۴» روسی به‌طور مستمر اقدام به انتقال اقلامی از قبیل خودروهای زره‌پوش، تجهیزات راداری، سامانه‌های جنگ الکترونیکی، قطعات یدکی بالگرد و انواع و اقسام سلاح و مهمات برای دولت سوریه می‌کردند. به عبارت دیگر، از دید روس‌ها، جنگ داخلی سوریه صرفاً به‌عنوان فرصتی برای فروش تسلیحات و کسب درآمد مورد توجه نبوده، بلکه به‌عنوان یک سنگر مهم استراتژیک در نظر گرفته شده که می‌بایست از آن دفاع شود و بر این اساس، استمرار حمایت تسلیحاتی و نظامی روسیه از دولت سوریه، می‌تواند نفوذ منطقه‌ای روسیه را در آینده منطقه (پس از پایان جنگ در سوریه) تضمین کند (Blank & Levitzky, 2015: 71). موضوع سوریه، در حقیقت جلوه‌ای آشکار از ماهیت رویکرد نظامی و تسلیحاتی مسکو است؛ زیرا قانون فدرال روسیه نیز صراحتاً بیان می‌کند که تقویت مواضع نظامی و سیاسی در خارج از کشور، یکی از اهداف اصلی همکاری‌های نظامی- صنعتی روسیه است (Kozhanov, 2016).

توسعه همکاری نظامی روسیه با ایران طی سال‌های اخیر، یکی دیگر از جلوه‌های وجود رویکرد استراتژیک در تجارت تسلیحاتی روسیه است. هرچند پس از انقلاب اسلامی، روسیه همواره به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی تسلیحات برای ایران مطرح بوده، اما به نظر می‌رسد توسعه همکاری میان دو کشور به‌ویژه با توجه به اهداف و اقدامات مشترک آن‌ها در سوریه، به عاملی برای توسعه بیش‌ازپیش همکاری نظامی تبدیل شده است. در همین راستا، به‌ویژه از سال ۲۰۱۵ (هم‌زمان با امضای توافق هسته‌ای ایران از یک سو آغاز عملیات نظامی روسیه در سوریه از سوی دیگر) همکاری نظامی تهران- مسکو هم در سوریه و هم به‌طور کلی شاهد افزایش بوده است. علی شمشخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، حوزه مبارزه با تروریسم در سوریه را عاملی در افزایش همکاری نظامی و دفاعی تهران و مسکو دانسته و گفته: «برخلاف برخی کشورها در منطقه که صرفاً اقدام به خریداری و انباشت تسلیحات آمریکایی می‌کنند، ایران خودش سلاح‌های مورد نیازش را انتخاب می‌کند». به گفته شمشخانی، خرید سلاح تنها بخش کوچکی از همکاری نظامی و دفاعی روسیه و ایران را تشکیل می‌دهد (Iran Daily, 2017). در این میان، برخی ناظران نیز عقیده دارند که یکی از اهداف اصلی روسیه از فروش تسلیحات به ایران و استمرار این سیاست در طول زمان، جلوگیری از افتادن بازار تسلیحاتی ایران به دست دیگران (غرب)

بوده که می‌تواند در بلندمدت، منافع مسکو را تهدید کند. به عبارت دیگر، روس‌ها بر این باورند که در صورت فاصله گرفتن آن‌ها از بازار ایران، شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به نحوی راه خود را به این بازار باز خواهند کرد و این امر سبب خواهد شد که ایران خود به چالشی برای روسیه تبدیل شود (Blank, 2017). هرچند با توجه به رویکردهای غرب نسبت به برنامه‌های نظامی ایران، چنین احتمالی بسیار بعید به نظر می‌رسد، اما حتی در صورت صحت این فرض، بازهم این امر نشانگر تمایل روسیه به حفظ همکاری خود با دولت‌های همسو یا شریک با هدف حفظ نفوذ منطقه‌ای خود و جلوگیری از به چالش کشیده شدن آن است.

۳-۲- تلاش برای نفوذ در دولت‌های ضعیف‌تر منطقه

بخش دیگری از اهداف استراتژیک تجارت تسلیحاتی روسیه با غرب آسیا که البته بازهم به موضوع تلاش مسکو برای ارتقای جایگاه خود در منطقه و موازنه‌سازی در مقابل رقبای بازمی‌گردد، تلاش برای نفوذ در دولت‌های ضعیف‌تر و یا بحران‌زده در منطقه با هدف کشاندن آن‌ها به مدار خود و افزایش نفوذ در این کشورها است. در این زمینه، می‌توان عراق و لیبی را به عنوان دو نمونه بارز متأخرتر مورد اشاره قرار داد. در رابطه با هر دو این کشورها، روسیه سعی دارد ضمن بازپس‌گیری جایگاه ازدست‌رفته سابق خود در تجارت تسلیحاتی و پیوندهای نظامی، از وضعیت کنونی آن‌ها در جهت توسعه نفوذ خود استفاده کند. در موضوع عراق، باید اشاره کرد که تا پیش از بحران داعش در سال ۲۰۱۴، مسکو از دست دادن بغداد به عنوان یکی از خریداران اصلی تجهیزات نظامی روسی را به مثابه ضربه‌ای جدی به نفوذ منطقه‌ای خود ارزیابی می‌کرد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ از یک سو وجود این باور در میان نظامیان عراقی که روس‌ها فقط تجهیزات نظامی نه‌چندان پیشرفته خود را به این کشور می‌فروخته‌اند، سبب شد عراق به سمت خرید تسلیحات و ادوات نظامی از کشورهای غربی متمایل شود. با این حال، بلافاصله پس از تسلط یافتن گروه تروریستی داعش بر بخش‌هایی از عراق، شرکت روسی «روس آبارون اکسپورت»^۱ آمادگی خود را برای ارسال تجهیزات نظامی پیشرفته به عراق جهت مبارزه با تروریست‌ها اعلام کرد (Blank & Levitzky, 2015: 71). بر این اساس، در شرایطی که عراق به شدت به تجهیزات نظامی جدید نیازمند بود و آمریکا سیاستی محتاطانه و قطره‌چکانی را در انتقال تسلیحات به بغداد در پیش گرفته بود، مسکو قدم پیش گذاشته و نشان داد که همواره برای پر کردن جای خالی آمریکا در منطقه آمادگی دارد (Эксперт Online, 2016).

لیبی نیز برای روس‌ها شرایطی مشابه داشته است. سقوط دولت معمر قذافی در لیبی در سال ۲۰۱۱، ضربه‌ای جدی به صادرات تسلیحاتی روسیه زد؛ به گونه‌ای که تنها در وهله نخست، روسیه را از نهای شدن یک قرارداد چهار میلیارد دلاری فروش تسلیحات به دولت لیبی محروم کرد. افزون بر این، شماری

از پروژه‌های زیرساختی نظامی روسیه در لیبی نیز از دست رفت که ارزش مجموع آنها ده‌ها میلیارد دلار برآورد می‌شود (Bodner, 2017). اکنون و با هدف بازپس‌گیری جایگاه خود در لیبی، روسیه حمایت مستقیم از خلیفه حفتر، فرمانده نظامی لیبیایی را در دستور کار قرار داده است. در نیمه سال ۲۰۱۶ اعلام شد که حفتر در جریان دیدار با مقامات ارشد روسیه، خرید تسلیحات روسی را خواستار شده است (ایرنا، ۱۳۹۵). تحریم تسلیحاتی لیبی از سوی شورای امنیت سازمان ملل، تاکنون مهم‌ترین مانع بر سر راه احیای تجارت تسلیحاتی روسیه با این کشور بوده است. باوجود این، در اوت ۲۰۱۷ اعلام شد که روسیه ممکن است به‌عنوان کمک نظامی به دولت لیبی در طریق (به رهبری حفتر) تسلیحات زمینی و نیز بالگرد به لیبی ارسال نماید. خودروهای زرهی، بالگرد و هواپیماهای بدون سرنشین، ازجمله اقلامی بود که بر اساس اعلام روس‌ها، امکان ارسال آنها به لیبی برای به‌کارگیری در عملیات ضد تروریستی وجود دارد (اسپوتنیک، ۲۰۱۷).

پیامدهای سیاست تسلیحاتی روسیه در غرب آسیا

بیش از ربع قرن از پایان نظام دوقطبی که مسابقه تسلیحاتی و بلوک‌بندی‌های دو ابرقدرت شرق و غرب را در دل خود داشت می‌گذرد؛ اما سیاست‌های تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ هنوز هم از یک‌سو بر صف‌بندی‌های بازیگران در مناطق مختلف و توازن قوا میان آنها و از سوی دیگر، بر امنیت و ثبات مناطق مختلف تأثیرگذار است. تردیدی نیست که منطقه غرب آسیا نیز از این موضوع مستثنا نیست و رویکردهای نظامی و تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ، ازجمله روسیه، بر این منطقه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم به همراه دارد. به‌طورکلی، پیامدهای سیاست تسلیحاتی روسیه در غرب آسیا را از یک‌سو می‌توان در بالا رفتن احتمال تنش‌های منطقه‌ای و جنگ‌های نیابتی و در مقابل، کمک به برقراری نوعی موازنه قوا میان دولت‌های متحد و مخالف آمریکا در بلندمدت ارزیابی کرد.

در موضوع نخست، باید گفت که رویکرد نظامی و تسلیحاتی روسیه نه‌تنها عملاً خود این کشور را در شکلی از جنگ نیابتی با آمریکا - به‌طور مشخص در سوریه - قرار داده، بلکه همچنین به جنگ‌های نیابتی و رقابت‌های منطقه‌ای از پیش موجود در منطقه، به‌ویژه میان ایران و عربستان دامن زده است. هرچند روسیه و آمریکا هر دو از ابتدای عملیات نظامی خود در سوریه، مبارزه با تروریسم را به‌عنوان محور اصلی اقدامات خود در این کشور معرفی کردند، اما حمایت آنها از گروه‌ها و جبهه‌های متفاوت درنبرد سوریه، آنها را در عمل در یک وضعیت جنگ نیابتی با یکدیگر قرار داد. بر این اساس، درحالی‌که روسیه با حمایت نظامی مستقیم از دولت سوریه، به‌جز گروه‌های تروریستی داعش و النصرة خود را در تقابل با شمار گسترده‌ای از گروه‌های معارض مسلح نیز قرار داد، آمریکا حمایت مالی و نظامی از معارضین را در دستور کار خود قرار داده و درعین‌حال، بر ضرورت کنار زده شدن بشار اسد از قدرت

تأکید داشت (Spiegel, 2016). در آوریل ۲۰۱۷ و زمانی که دونالد ترامپ به بهانه واکنش به حمله شیمیایی ادعایی دولت سوریه در خان شیخون اقدام به هدف قرار دادن پایگاه نظامی ارتش سوریه در «الشعیرات» کرد، حتی احتمال تقابل مستقیم میان روسیه و آمریکا نیز مطرح شد (Azizi, 2017). از سوی دیگر و به‌طور هم‌زمان، تمایل روسیه به برقراری روابط مساعد نظامی با همه طرف‌ها در منطقه غرب آسیا، خطر تشدید رقابت‌های منطقه‌ای را به همراه داشته و دارد. موضوع توافق روسیه و عربستان سعودی برای تحویل سامانه‌های موشکی «اس-۴۰۰» به عربستان، از سوی برخی از ناظران به‌عنوان تلاشی از سوی سعودی‌ها برای تقابل با ایران مطرح شد؛ زیرا با توجه به اینکه ایران سامانه «اس-۳۰۰» را از روسیه تحویل گرفته، عربستان سعودی تلاش دارد با دریافت نسخه ارتقا یافته این سامانه، در مقابل ایران بازدارندگی ایجاد کند. از سوی دیگر، هم‌زمان با سفر ملک سلمان به ریاض که به امضای تفاهم‌نامه تسلیحاتی مذکور منجر شد، برخی گزارش‌های رسانه‌ای انتشار یافت مبنی بر اینکه عربستان نهای کردن این تفاهم‌نامه کلان را به فاصله گرفتن مسکو از تهران مشروط کرده است (Aljazeera, 2017)؛ امری که البته در عمل در دستیابی به آن توفیق نیافت. باوجوداین، به‌طورکلی تلاش متحدان سنتی آمریکا برای توسعه روابط نظامی با روسیه، به‌عنوان اقدامی از سوی آنان جهت تقابل با ایران قابل تفسیر است.

در مقابل، همان‌گونه که اشاره شد، سیاست تسلیحاتی روسیه در بلندمدت می‌تواند به تحول موازنه قوای موجود در منطقه غرب آسیا منجر شده و به‌ویژه توازن میان دولت‌های متحد و مخالف آمریکا را بهبود بخشد. پس از شش سال جنگ داخلی در سوریه و در شرایطی که این کشور به سمت مراحل پایانی مبارزه با تروریسم پیش می‌رود، اکنون کمتر سخنی از ضرورت کنار رفتن فشار اسد از قدرت به‌عنوان پیش‌شرط مطرح می‌شود و این بدان معناست که در پی توفیق روسیه در هدف خود مبنی بر حفظ دولت کنونی سوریه در قدرت، نفوذ روسیه در دولت آتی این کشور، به مانعی برای چرخش دمشق به‌سوی آمریکا تبدیل خواهد شد. دولت عراق نیز که در پاییز ۲۰۱۷ توانست آخرین قلمروهای تحت تصرف داعش را باز پس بگیرد، بی‌تردید بسیار کمتر از دوران پیش از داعش متمایل به آمریکا خواهد بود. همکاری‌های نظامی روسیه با ترکیه و مصر نیز در کنار روابط پرفرازونشیب این دو کشور با غرب، پتانسیل چرخشی به سمت شرق و به‌جانب روسیه را در آن‌ها افزایش داده است. افزون بر این موارد، در صورت توفیق روسیه در توسعه واقعی پیوندهای نظامی با دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس، مسکو قادر خواهد بود تا حداقلی از نفوذ سیاسی را بر این دولت‌ها اعمال کرده و از این طریق، تا حد امکان رویکردهای کلان آن‌ها را تعدیل نماید. به این ترتیب، می‌توان گفت که تداوم سیاست نظامی و تسلیحاتی فعلی روسیه در غرب آسیا، در عمل به موازنه‌سازی در مقابل آمریکا در منطقه منجر خواهد شد.

نتیجه و پیشنهاد

هرچند توجه مسکو به منطقه غرب آسیا به عنوان بازاری مساعد برای فروش تسلیحات و برقراری پیوندهای نظامی امری جدید نیست و به دوران حاکمیت اتحاد شوروی بازمی گردد، اما در طول زمان، اهداف روسیه از رویکرد تجارت تسلیحاتی خود به این منطقه دستخوش تغییر شده است. بر این اساس، درحالی که در دوران شوروی، ملاحظات ایدئولوژیک در تعیین مقاصد انتقال تسلیحات روسی نقش اصلی را داشت و بالطبع در منطقه غرب آسیا نیز بخش عمده این تسلیحات در اختیار دولت‌های چپ‌گرا یا همسو با شوروی قرار می گرفت، در سال‌های نخست پس از فروپاشی شوروی، ملاحظات اقتصادی ناشی از وضعیت دشوار پسا شوروی، در رویکرد تجارت تسلیحاتی مسکو اولویت یافت. با این حال، از زمان روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، ملاحظات سیاسی و استراتژیک نیز به مرور جای خود را در تجارت تسلیحاتی روسیه بازیافته و به طی دوره سه چهارساله اخیر، به اوج خود رسیده است. بر این اساس، مسکو در حال حاضر از تجارت تسلیحاتی خود با غرب آسیا دودسته اهداف اقتصادی و استراتژیک را در کنار یکدیگر پیگیری می کند.

تأثیرات و پیامدهای این سیاست تسلیحاتی فعال، هرچند برای خود روسیه در وهله نخست افزایش منفعت اقتصادی و توسعه نفوذ منطقه‌ای به طور هم‌زمان خواهد بود، اما برای منطقه غرب آسیا تأثیری دوگانه به همراه خواهد داشت. بر این اساس، این امر در چشم انداز کوتاه مدت، با دامن زدن به رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجود (میان روسیه و آمریکا و همچنین میان قطب‌های قدرت منطقه‌ای، به ویژه ایران و عربستان)، بی ثباتی موجود در نظم منطقه‌ای غرب آسیا را تشدید می کند. با این حال، هم از طریق نفوذ مسکو در شرکای سنتی غرب و هم از طریق جلب وفاداری دولت‌های بحران زده در منطقه، سیاست مذکور به نوعی موازنه سازی در مقابل آمریکا در منطقه خواهد انجامید که البته این امر، در چشم انداز میان مدت تا بلندمدت امکان تحقق دارد. به عبارت دیگر، در چارچوب نظریه موازنه قدرت، این سیاست به طور مستقیم هم بر موازنه قدرت جهانی میان روسیه و آمریکا و هم بر موازنه قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا تأثیرگذار است.

در این میان به تبع دوگانگی تأثیرات رویکرد تجارت تسلیحاتی روسیه در منطقه، پیامدهای این سیاست برای ایران نیز حالتی دوگانه خواهد داشت؛ بدین معنا که از یک سو در کوتاه مدت با توجه به تعامل هم‌زمان روسیه با جمهوری اسلامی ایران و رقبای منطقه‌ای ایران در زمینه تجارت تسلیحات، آن هم در شرایطی که کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس خود از طریق خریده‌های کلان تسلیحاتی از غرب درصدد موازنه سازی در مقابل ایران هستند، وضعیت موازنه قدرت میان ایران و رقبا در منطقه پیچیده شده و در این میان، در نظر گرفتن روسیه به عنوان شریک یا متحدی در برابر اتحادهای غربی در منطقه برای ایران

امکان‌پذیر نخواهد بود. با این حال، در بلندمدت و در صورت تثبیت موازنه میان دولت‌های مورد حمایت آمریکا و محور ضدآمریکایی در منطقه غرب آسیا، می‌توان گفت که این سیاست هم‌راستا با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

منابع

- اسپوتنیک (۲۰۱۷)، «ارسال سلاح به لیبی توسط روسیه»، ۱۷/۸/۱۵، در: <https://sptnkne.ws/gb6z> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۸/۲۰)
- ایرنا (۱۳۹۵)، «لیبی خرید تسلیحات روسی را خواستار شد»، ۹/۹/۱۳۹۵، در: <http://www.irna.ir/fa/News/82326357> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۸/۲۰)
- ایسنا (۱۳۹۶)، «ناتو: استفاده ترکیه از اس ۴۰۰ روسی پیامد دارد»، ۵/۸/۱۳۹۶، در: <https://www.isna.ir/news/96080502594> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۸/۲۰)
- پرتو، امین (۱۳۹۳)، «جایگاه صدور اسلحه در سیاست خارجی فدراسیون روسیه در دوران پس از یلتسین»، سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)، سال اول، شماره ۴، صص ۲۸-۱۹
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۶)، «نگرانی آمریکا از افزایش تسلیحات روسی در منطقه»، ۱۵/۷/۱۳۹۶، در: <http://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3296045> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۸/۲۰)
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷)، «فرهنگ استراتژیک روسیه»، دو فصلنامه ایراس، سال سوم، شماره ۳
- نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، «چیستی اندیشه قدرت بزرگ در سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲
- ولی‌زاده، اکبر، سیمین شیرازی موگویی، حیدر رضا عزیزی (۱۳۹۴)، «تأثیر بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین بر روابط روسیه و ایالات متحده»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۷۱
- Aljazeera (2017), "Saudi king, Putin Agree Deals on Historic Russia Trip", 6/10/2017, available at: <http://www.aljazeera.com/news/2017/10/saudi-king-putin-sign-deals-historic-russia-trip-171005102100641.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Azizi, Hamidreza (2017), "Will US Missile Strike Shift Iran-Russia Partnership in Syria?", Al-Monitor, available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/04/iran-russia-syria-partnership-us-missile-strike-impact.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Blank, Stephen & Edward Levitzky (2015), "Geostrategic Aims of the Russian Arms Trade in East Asia and the Middle East", Defence Studies, Vol. 15, No. 1, pp. 63-80
- Blank, Stephen (2017), "The Foundations of Russian Policy in the Middle East", The Jamestown Foundation, available at: <https://jamestown.org/program/foundations-russian-policy-middle-east/> (accessed on: 20/11/2017)
- Bodner, Matthew (2017), "Russia's Middle East Power Play", Defense News, 18/2/2017, available at: <https://www.defensenews.com/digital-show-dailies/index/2017/02/18/russia-s-middle-east-power-play/> (accessed on: 20/11/2017)
- Conolly, Richard & Cecilie Sendstad (2017), "Russia's Role as an Arms Exporter",

Chatham House, available at: <https://www.chathamhouse.org/publication/russias-role-arms-exporter-strategic-and-economic-importance-arms-exports-russia> (accessed on: 20/11/2017)

- Detsch, Jack (2017), "US Missile Defense Sale to Saudis Seen as Effort to Thwart Russia", Al-Monitor, 9/10/2017, available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/10/us-missile-defense-sale-saudi-arabia-thaad-thwart-russia.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Encyclopaedia Britannica (2018), "Balance of power", available at: <https://www.britannica.com/topic/balance-of-power> (accessed on: 6/18/2018)
- Gall, Carlotta & Andrew Higgins (2017), "Turkey Signs Russian Missile Deal, Pivoting from NATO", The New York Times, 12/9/2017, available at: <https://www.nytimes.com/2017/09/12/world/europe/turkey-russia-missile-deal.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Intriligator, Michael D. & Dagobert L. Brito (2000) "Arms Races", Defence and Peace Economics, Vol. 11, No. 1, pp. 45-54
- Iran Daily (2017), "Iran, Russia Boosting Strategic Military Cooperation in Syria: Shamkhani", 6/6/2017, available at: <http://www.iran-daily.com/News/194255.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Karsh, Efraim (1986), "Influence through Arms Supplies: The Soviet Experience in the Middle East", Conflict Quarterly, Vol. 6, No. 1
- Kegley, Charles W. & Wittkopf, Eugene R. (2005), *World Politics: Trends and Transformation* (10th ed.), US: Wadsworth Publishing Co Inc.
- Kozhanov, Nikolay (2016), "Arms Exports Add to Russia's Tools of Influence in Middle East", Chatham House, 20/7/2016, available at: <https://www.chathamhouse.org/expert/comment/arms-exports-add-russia-s-tools-influence-middle-east> (accessed on: 20/11/2017)
- Mearsheimer, John (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton
- Mearsheimer, John (2010), "Structural Realism", in Tim Dunne, Milja Kurki & Steve Smith, *International Relations Theories*, New York: Oxford University Press
- Petro, Nikolai N. (2011), *Russian Foreign Policy, 2000-2011: From Nation-State to Global Risk Sharing*, PECOB's Papers Series, No. 12
- Roth, Andrew (2016), "Iran Announces Delivery of Russian S-300 Missile Defense System", The Washington Post, 10/5/2016, available at: https://www.washingtonpost.com/world/iran-announces-delivery-of-russian-s-300-missile-defense-system/2016/05/10/944afa2e-16ae-11e6-971a-dadf9ab18869_story.html?utm_term=.89799e578d09 (accessed on: 20/11/2017)
- Sakwa, Richard (2004), *Putin's Second Term*, The Royal Institute of International Affairs: Russian and Eurasian Program

- Salacanian, Stasa (2017), “**Weapons Sales: The Key to Russia’s Middle East Agenda**”, The New Arab, 13/3/2017, available at: <https://www.alaraby.co.uk/english/indepth/2017/3/13/weapons-sales-the-key-to-russias-middle-east-agenda> (accessed on: 20/11/2017)
- Schmidt, Rachel (1991), “**Global Arms Exports to Iraq, 1960-1990**”, Rand Publication Series, N-3248-USDP
- Schoen, John W. (2017), “**US Sanctions have Taken a Big Bite out of Russia’s Economy**”, CNBC, 25/7/2017, available at: <https://www.cnbc.com/2017/07/25/us-sanctions-have-taken-a-big-bite-out-of-russias-economy.html> (accessed on: 20/11/2017)
- SIPRI (2017), **SIPRI Yearbook 2017: Armaments, Disarmament and International Security** (Summary), available at: <https://www.sipri.org/yearbook/2017> (accessed on: 10/11/2017)
- Spiegel (2016), “**How Syria Became the New Global War**”, 11/10/2016, available at: <http://www.spiegel.de/international/world/syria-war-became-conflict-between-usa-and-russia-and-iran-a-1115681.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Sputnik News (2017), “**US Reacts With ‘Anger and Fears’ to Turkey Buying Russian S-400 Systems**”, 22/7/2017, available at: <https://sputniknews.com/politics/201707271055917062-us-turkey-s-400-russia/> (accessed on: 20/11/2017)
- Stewart, Caterina (2011), “**Russia Accuses NATO of ‘Expanding’ UN Libya Resolution**”, Independent, 4/7/2011, available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/africa/russia-accuses-nato-of-expanding-un-libya-resolution-2306996.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Suchkov, Maxim A. (2015), “**New Russian Arms Deals Could Shake up Mideast Market**”, Al-Monitor, 25/8/2015, available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/08/russian-arms-supply-middle-east.html> (accessed on: 20/11/2017)
- Trenin, Dmitri (2010), “**The Modernization of Russia’s Foreign Policy**”, Carnegie Endowment, available at: <http://carnegie.ru/2010/08/02/modernization-of-russia-s-foreign-policy-pub-41322> (accessed on: 26/7/2011)
- Uhler, Walter C. (1999), “**Russia’s Defense Industry and the Arms Trade**”, The Journal of Slavic Military Studies, Vol. 12, No. 3, pp. 193-203
- Ulansky, Elena (2017), “**Sanctions - Impact on Average Russian Life**”, The Huffington Post, available at: https://www.huffingtonpost.com/elena-ulansky/sanctions-impact-on-avera_b_7027940.html (accessed on: 20/11/2017)
- Waltz, Kenneth N. (1979), **Theory of International Politics**, US: Waveland Press
- Wezeman, Siemon T. (2017), “**China, Russia and the Shifting Landscape of Arms Sales**”, SIPRI, 5/7/2017, available at: <https://www.sipri.org/commentary/topical->

backgrounder/2017/china-russia-and-shifting-landscape-arms-sales (accessed on: 10/11/2017)

- Zisk, Kimberly Marten (1998), **Weapons, Culture, and Self-Interest: Soviet Defense Managers in the New Russia**, New York: Columbia University Press
- РИА Новости (2017), “**Аравийский прорыв: Россия теснит США на рынке оружия Ближнего Востока**”, 9/10/2017, Доступны на: https://ria.ru/defense_safety/20171009/1506490550.html (20/11/2017)
- ТАСС (2017), “**США и РФ Остаются Крупнейшими Экспортерами Вооружений**”, 20/2/2017, Доступны на: <http://tass.ru/mezhdunarodnaya-panorama/4037036> (20/11/2017)
- Эксперт Online (2016), “**Россия усиливает позиции на рынке вооружений Ближнего Востока**”, Доступны на: <http://expert.ru/2016/08/11/oruzhie/> (20/11/2017)

